

نقش اجتماعی نماز جماعت

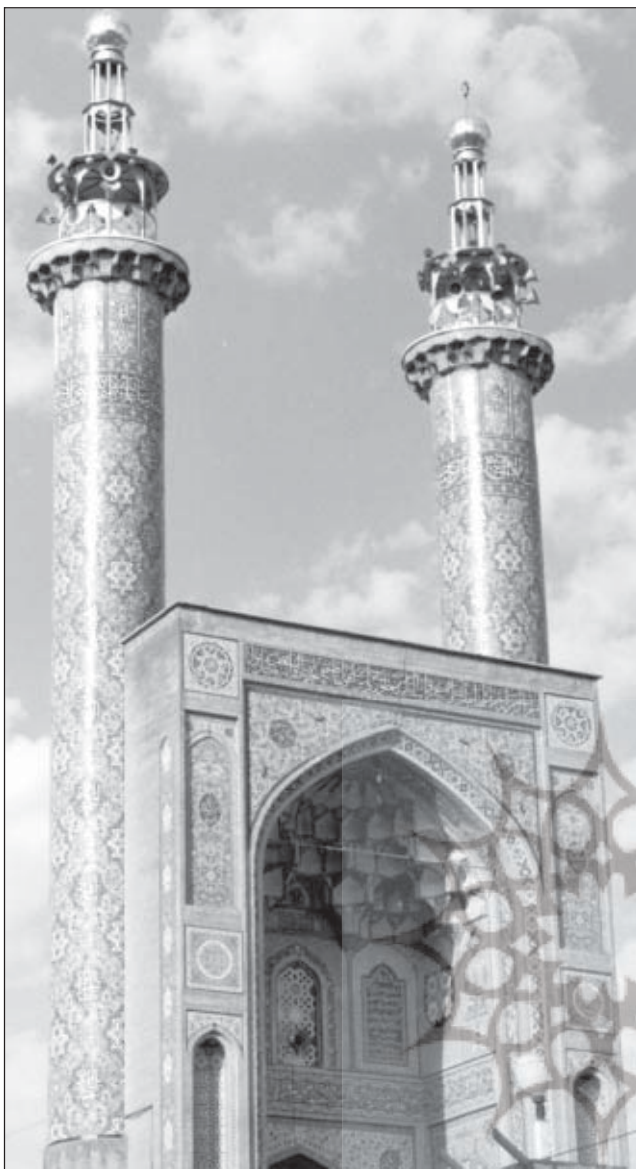
حسن رهبری

کارشناس ارشد مدیریت



نطفه حیات اجتماعی اسلام مقارن با نخستین روزهای بعثت، با تشریح نماز از جانب خداوند متعال شکل گرفت. روز دوم بعثت، جبرئیل برای تعلیم نماز و وضو بر پیامبر (ص) نازل شد. پیامبر خدا (ص) نیز علی (ع) و خدیجه را آموزش دادند [آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ۹۰] و آنگاه، نماز جماعت سه نفره را در مسجد الحرام به جای آوردند [طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ۲۱۱].

عقیف کندی مشاهدات خود را از برگزاری نخستین روزهای نماز جماعت، چنین گزارش می کند: «در دوران جاهلیت، به مکه رفتم تا برای خانواده خویش از پارچه ها و عطر آنجا خریداری کنم. پس، نزد عباس بن عبدالمطلب، که مردی بازرگان بود، رو به کعبه نشسته بودم، که خورشید در آسمان برآمد و به زوال رسید. ناگاه جوانی آمد، و دیده به آسمان دوخت و سپس رو به کعبه ایستاد. اندک زمانی فاصله شد، که پسری رسید و دست راست وی ایستاد. و طول نکشید که زنی آمد، و پشت سر آن دو ایستاد. پس، جوان به رکوع رفت، و آن پسر و زن هم رکوع کردند. و چون سر از رکوع برداشت، آنان هم سر از رکوع برداشتند. آنگاه به سجده رفت، و آن پسر و زن نیز سجده کردند.



مسجد جامع کرمانشاه

طریق سرایت ایمان، شأن وفاق همگانی و ابهت رفتار دسته جمعی، تأثیرش را می‌گذارد [همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ۲۲].
 به نظر دورکیم، همین مناسک است که احساسات مذهبی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کند، و حس وابستگی به یک قدرت خارجی روحانی و اخلاقی را، که در واقع همان جامعه است، تشدید می‌نماید. همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهماییها، اینهمه شور و شوق برمی‌انگیزد و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیینهای مذهبی آگاه می‌سازد. بدین سان مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند. به استدلال او، دین زاییده مناسک است. از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی، قدرت اخلاقی جامعه آشکارا حس می‌شود، و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند [همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ۱۷۷-۱۷۸].
 ردکلیف براون نیز معتقد است که مناسک، کارکرد اجتماعی

به عباس گفتم: امری است، عظیم.
 گفت: این جوان را می‌شناسی؟
 گفتم: نه.

گفت: این برادرزاده من، محمد بن عبدالله، است. این را می‌شناسی؟ این هم علی، برادرزاده من، است. این زن را می‌شناسی؟ این هم خدیجه، دختر خویلد همسر او، است. اکنون، این برادر زاده ام می‌گوید که پروردگار آسمان و زمین او را به این دینی که بر آن است، مأمور ساخته است. به خدا قسم، که در تمامی روی زمین، جز این سه نفر احدی بر این دین نیست [آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ۱۹۲].

چندی بعد، رسول خدا(ص) به دلیل برگزاری نماز جماعت در مسجدالحرام، از جانب قریش تهدید شدند. لذا، ناگزیر برنامه عبادی خود را همراه با علی بن ابی طالب، موقتاً در خارج از شهر مکه و به دور از انظار عمومی برگزار کردند.

«بتدریج، بر مسلمانان نمازگزار افزوده شد و جعفر و زید و ابوبکر و دیگران، به این جماعت پیوستند. اما پیغمبر و یاران، نماز خود را در کوهستانها ادا می‌کردند.» [ابن هشام، سیره ابن هشام، ج ۱، ۲۶۳].

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که «اصل تشریح نمازهای یومیه، به جماعت بوده و فرادی رخصت است» [طالقانی، تفسیر پرتوی از قرآن، ج ۱، ۳۱]. بر این اساس، حنابله جماعت در نماز را واجب می‌دانند، اما باقی مذاهب جماعت را در نماز سنت مؤکد شمرده‌اند.

مدرک رأی حنابله، حدیثی است از پیغمبر که به هدم خانه کسی که در نماز جماعت حاضر نشود، دستور دادند. دیگران این حدیث را ناظر به موقع خاص گرفته‌اند. برخی نیز حدیث را بر شدت و تأکید استحباب، حمل کرده‌اند [خزائلی، احکام قرآن، ۳۹۹].
 اغلب فقهای شیعه را نظر بر این است که «حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی، جایز نیست. و سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند» [توضیح المسائل، بخش نماز جماعت].

این مطلب، مصداق سخن پیامبر رحمت (ص) است، که فرمودند: «من سمع النداء فارغاً صحیحاً فلم یجب فلا صلاة له» (کسی که صدای اذان جماعت را بشنود و در آن حاضر نشود، نمازی برای او نیست) [هندی، کنز العمال، ج ۷، ۵۷۸].

فلسفه تشریح نماز جماعت

اگر بر مبنای تحقیقات، مطالعات و تجارب تاریخی، نقش دین در پیدایش اجتماعات را پذیرفتیم، آن وقت این سؤال به ذهن می‌آید: «نقش اجتماعات در نهاد دینی و گزاره‌های دینی چیست؟ و تعامل این دو چگونه است؟»

از نظر مالینوفسکی، درگیری اجتماع گسترده‌تر در مناسک مذهبی، به این مناسک نیرو می‌بخشد و تأثیر آن را در مبارزه با عواطف مخرب تقویت می‌کند. مراسم و تحریک همگانی از



مسجد دارالاحسان (جامع سنندج)، سنندج

می کند و گامهایتان را استوار می سازد).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این باره، چنین بیان می کند: «شک نیست که اسلام تنها دینی است که اساس آیین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است، و در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع بی اعتنا نبوده است. . . و تمام احکام و مقررات را نیز در یک قالب اجتماعی بیان داشته و تا آنجا که ممکن بوده است، روح اجتماع را در جمیع احکام و مقررات خود تنفیذ نموده است» [طباطبایی، المیزان، ج ۷، ۱۵۸].

همچنین، علامه در ادامه بحث تأکید می کند: «اسلام با در نظر گرفتن دو جهت، به تمام قوانین و احکام و مقررات خود رنگ اجتماعی داده است. اول آنکه، هر حکمی از احکام، شایسته چه نوع اجتماعی است؟ و ثانیاً، به چه ترتیب و تا چه حدودی، باید نسبت به آن، امر و تأکید شود؟ اما قسمت اول، ما می بینیم که شارع اسلام مثلاً در موضوع جهاد آن اندازه از اجتماع را لازم دانسته که دشمن از پا درآید و نیروی اسلام غالب و پیروز شود. و همچنین، در باب روزه و حج می بینیم که این دو حکم را بر هر مستطیعی که دارای عذر نیست، واجب فرموده است. و بدیهی است که با این ترتیب، لازم است که تمام کسانی که واجد شرایط هستند، همه با هم روزه و حج را انجام داده، و وظایف خود را در عید فطر و قربان با انجام نمازی که در این دو عید تشریح شده است، خاتمه دهند. و نمازهای یومیه را نیز بر هر فرد مردم واجب فرموده، بدون اینکه آنها را ملزم به جماعت کرده باشد. ولی در عوض هفته ای یک بار، در هر چهار فرسخ تشکیل یک جماعت واحدی را به نام «نماز جمعه» واجب فرموده است. و اما در یک قسمت از احکام خود، مستقیماً واجب و لازم ندانسته، مانند نماز جمعه که قطعاً لازم است به صورت دسته جمعی و جماعت انجام پذیرد. و اما در یک قسمت از احکام خود، جماعت را به آن صورت لازم ندانسته بلکه آن را مستحب فرموده است، مانند

خاص دارند. آنها ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که مبنای ساختمان جامعه را تشکیل می دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند [همیلتون، جامعه شناسی دین، ۱۹۹].

رپاپورت (۱۹۶۷م) بر نقش مناسک در تنظیم روابط قدرت و کشمکش انگشت می گذارد، و آن را در یک زمینه بوم شناختی قرار می دهد. . . به ادعای او، مناسک هرچقدر هم نقش نمایشی داشته باشد، دست کم گهگاه می تواند نقش مادی و عملی بسیار مهمی را ایفا کنند. همین مناسک در بسیج متحدان در زمان جنگ، نقش اساسی دارد [همیلتون، جامعه شناسی دین، ۲۳۰].

به نظر لویس (۱۹۸۰ م)، مناسک دقیقاً به صورت نوعی ارتباط نیستند، و از برخی جهات بیشتر شبیه نوعی ترغیبند. مناسک نه تنها برای برقراری ارتباط، بلکه برای تصمیم گرفتن یا تغییر دادن موقعیت نیز به کار می روند [همیلتون، جامعه شناسی دین، ۲۳۰].

به عقیده گیتس، مکانیسم ایجادکننده ایمان، مناسک است. ایمان مذهبی، در جریان مناسک مذهبی ایجاد می شود [همیلتون، جامعه شناسی دین، ۲۳۰].

اساساً حمایت دین از تشکلهای اجتماعی، هدفی را دنبال می کند که ادعای صرفاً اجتماع برای اجتماع، درباره آن صحت ندارد. دین در تأکید خود بر تشکیل اجتماعات، اهداف بلندی که سعادت دنیوی و اخروی بشر را دربر می گیرد، مد نظر قرار می دهد.

ذات دین پدیده ای هندسی نیست، که قابل لمس و رؤیت باشد و خود به خود بتواند به حرکات فیزیکی دست بزند یا مستقیماً امر و نهی کند. بلکه ترجمان اصلی دین، جوامع دیندار است. وجود اجتماعات - که ظهور و بروز دین در آن شکل می گیرد - در سیمای عملی دینداران معنادار می شود، و به وسیله اجتماعات دوام و استمرار می یابد.

اصولاً، حقایق و دستوره های دینی از سوی پیامبران به مردم ابلاغ و تبیین می شود؛ چه آنان را جز ابلاغ دین رسالتی نیست: «و ما علی الرسول الا البلاغ» [مائده/۹۹] (و بر پیامبر نیست مگر رساندن [رسالت]) و «فعل علی الرسول الا البلاغ المبین» [نحل/۳۵] (پس آیا بر پیامبر بجز رساندن آشکار است).

حفاظت، صیانت و پاسداری از دین را اجتماع پیام گیرنده و بیعت کننده با دین بر عهده خواهد داشت. و این مسئولیت با شکل جمعی و وحدت اجتماعی: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» [آل عمران/۱۰۳] (و به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید)، و نصرت دین الهی: «یا ایها الذین آمنوا کونوا انصارالله» [صف/۱۴] (ای کسانی که ایمان آوردید، یاوران خدا باشید)، به انجام می رسد تا مشمول عنایت و نصرت الهی قرار گیرند: «یا ایها الذین آمنوا ان تنصروالله ينصرکم و یتب اقدامکم» [محمد/۷] (ای کسانی که ایمان آوردید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری

خدا(ص) می فرماید: «یدالله مع الجماعة» (دست خدا با جماعت است) [محمدی ریشری، میزان الحکمة، ج ۲، ۱۶۶].

بر این اساس، قرآن کریم، بزرگترین ظلم و ستمگری را متوجه کسی می کند، که او مردم را از ورود به مساجد بازمی دارد، و بدین وسیله در تخریب و بی محتوا کردن آنها می کوشد: «ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیہ اسمہ و سعی فی خرابها» [بقره/۱۱۴].

بنابراین، باید توجه داشت که حیات، بقا و پویایی دین، به حیات اجتماعی دین و حیات زیستمدان دینی بستگی دارد. و نماز جماعت به عنوان شاخصترین شعائر اسلامی، در این خصوص نقش عمده ای را در جوامع اسلامی ایفا می کند، و دارای برکات و آثار عظیم فردی اجتماعی و جهانی است.

فلسفه نماز جماعت از دیدگاه پیشوایان اسلامی

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا(ع) آنگاه که از فلسفه وجودی «نماز جماعت» جویا می شود، آن حضرت در بیانی عمیق، ابتدا اثر جهانی، سپس اثر اجتماعی و در پایان اثر فردی آن را توضیح می دهند: «فلم جعلت الجماعة؟ قيل: لثلا یكون الاخلاص و التوحید و الاسلام و العبادة لله الاظاهراً مکشوفاً مشهوداً، لان فی اظهارة حجة علی اهل المشرق و المغرب لله عزوجل و لیكون المنافق و المستخف مؤدیاً لما اقر به یظهر الاسلام و المراقبة و لیكون شهادات الناس بالاسلام من بعضهم لبعض جائزةً ممکنةً، مع ما فیہ من المساعدة علی البر والنقوی و الزجر عن کثیر من معاصی الله عزوجل» (حضرت امام رضا(ع) در پاسخ به اینکه چرا نماز جماعت تشریح شده است، فرمودند: برای اینکه اخلاص، یکتاپرستی، اسلام و عبادت خدا، ظاهر و علنی و آشکار گردد و از این طریق، حجت خداوند - عزوجل - بر اهل شرق و غرب تمام شود. و نیز منافق داخلی و مسلمانان سهل انگار و ضعیف الایمانی که نماز و احکام شرع را سبک می شمارند، با برپایی نمازهای جماعت، تکلیف و مواضعشان مشخص شود. به وسیله نماز جماعت اسلام ظاهر و غالب می شود، و نظارت عمومی و همگانی تحقق پیدا می کند و برای مردم امکانی به دست می آید تا بتوانند به اسلامیت همدیگر گواهی دهند. و این گواهیها جایز می شوند. و با اینهمه، در نماز جماعت زمینه ای هست برای کارهای نیک و تقوا و نیز نیروی بازدارنده ای وجود دارد از بسیاری از معصیتهای خداوند - عزوجل) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ۱۲].

حضرت امام صادق(ع) می فرماید: «انما جعل الجماعة والاجتماع الی الصلاة لکی یعرف من یصلی ممن لا یصلی و من یحفظ مواقیب الصلاة ممن یضیع ولو لاذلک لم یکن احد ان یشهد علی احد بالصلاح لان من لم یصل فی جماعة فلا صلاة له بین المسلمین لان رسول الله(ص) قال: لا صلوة لمن لم یصل فی المسجد مع المسلمین الا من علة» (همانا نماز جماعت و اجتماع برای نماز، بدین خاطر مقرر شده است تا کسی که نماز می خواند از بی نماز تمییز داده شود؛ و نیز کسی که اوقات فضیلت

جماعت در نمازهای یومیه. چیزی که هست آنکه، سنت اسلامی بر این قرار گرفته که نمازهای یومیه نیز تا آنجا که میسر است، به جماعت ادا شود. و از طرفی، به موجب اخبار وارد، بر مردم لازم است که اقامه سنت نموده و به آن بی اعتنا نباشند. و رسول خدا درباره جمعیتی که حضور در جماعت را ترک کرده بودند، چنین فرمود: «نزدیک است درباره مردمی که نماز جماعت مسجد را ترک کرده اند، چنین دستور دهم که هیزم جمع نموده و به در خانه آنها بریزند و سپس خانه را بر آنها آتش زنند. و این است، اهمیت هرچه که پیغمبر آن را سنت قرار داده است. و بر مردم واجب است که حفظ سنن آن حضرت را به هر وسیله و به هر قیمت که شده، بنمایند.

اینها، مسائلی است که راه و روش تحقیق در آن، استنباط فقهی است. و این، فقه اسلامی است که عهده دار طرح و بیان این مسائل می باشد. و آنچه لازم است در این مورد بحث قرار گیرد، همان جنبه اجتماعی بودن اسلام در جمیع معارف اساسی خود می باشد. اسلام در عین اینکه به تمامی دستورات و احکام خود رنگ اجتماعی داده، ولی در عین حال یک سلسله معارف اساسی است که اصولاً پی و بنیان آنها بر مبنای اجتماعی بودن گذارده شده است» [طباطبایی، المیزان، ج ۷، ۲۱۳-۲۱۴]. «و ضمانت اجرایی آن را نیز از یک طرف به عهده حکومت اسلامی و از طرف دیگر به عهده خود افراد اجتماع گذارده، که با یک تربیت صحیح علمی و عملی و همچنین به نام امر به معروف و نهی از منکر، در اجرا و زنده نگه داشتن احکام الهی کوشا باشند» [طباطبایی، المیزان، ج ۷، ۱۸۳].

بنابراین، کوشایی در نگهداشت و پاسداشت قوانین، مقررات و کلیات دینی، مستلزم تشکیلات اجتماعی است. و جوامع دینخواه را گریزی از اجتماعات دینی نیست. و دست خدا برای پاسداری از دین خود، از آستین اجتماعات بیرون می آید، چنانکه رسول



مسجد و مدرسه شهید بهشتی (سپه سالار قدیم)، تهران

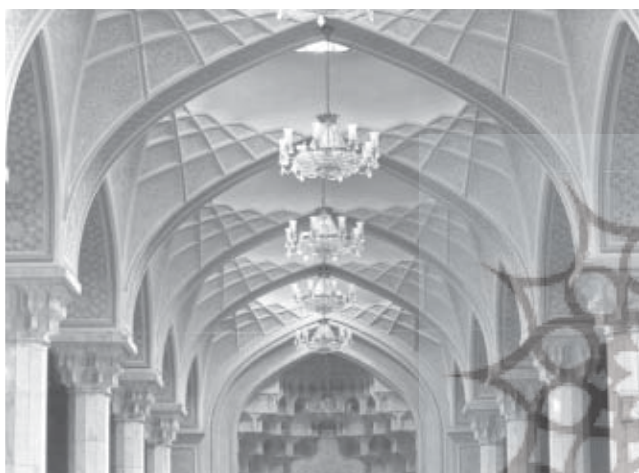
مشخص شود) [صدق، علل الشرائع، ۳۲۵].

۴. تعاون و همکاری اجتماعی

در ادامه حدیث فوق، چنین آمده است: «مع ما فيه من المساعدة على البر و التقوى...» (با اینهمه در نماز جماعت، زمینه‌ای هست برای کارهای نیک و تقوا... [صدق، علل الشرائع، ۳۲۵].

۵. تحقق نظارت عمومی

امر به معروف و نهی از منکر، از فروع مسلم دینی و ارزشهای جامعه اسلامی به شمار می‌رود که اجرای هر یک، مستلزم وجود نوعی قدرت اجتماعی است. تشکیل نمازهای جماعت در جای جای کشورهای اسلامی و محلات مختلف شهرها و روستاها، در حقیقت قدرتی اعتقادی است که خواه نا خواه ابهت



مسجد و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران

و عظمت آن، به عنوان تعدیل‌کننده رفتارهای اجتماعی عمل می‌کند و نقش‌سازنده و قاطع خود را در مقابل کجروان و کج اندیشان می‌نمایاند.

۶. سلامت محیط اجتماعی

عنصر معنویت در نماز جماعت، روح پرهیزکاری و عفت عمومی را در نمازگزاران تقویت می‌کند. همچنین، در دیگران نیز به سبب وجود اصل نظارت همگانی، رعایت حدود را هرچند در ظاهر الزامی می‌نماید. لذا، از گناه و بزهکاری کاسته می‌شود، و سلامت اجتماع اسلامی فراهم می‌گردد. ادامه حدیث امام رضا(ع) چنین است: «والزجر عن كثير من معاصي الله عزوجل» (نماز جماعت از گناهان بسیاری، افراد را باز می‌دارد) [صدق، علل الشرائع، ۳۲۵].

بنابراین، چشم‌اندازی به مفاهیم احادیث وارده در فلسفه نماز جماعت، نشان می‌دهد آن گونه که از نام جماعت پیداست، دیدگاه اسلامی بیشتر اهداف، آثار و تبعات اجتماعی آن را همواره مد نظر دارد.

نماز را حفظ می‌کند، از کسانی که آنها را ضایع و تباه نمودند، جدا و مشخص شوند. و اگر نماز جماعت نبود، فردی از جامعه اسلامی نمی‌توانست به صلاحیت فرد دیگر شهادت و گواهی دهد. چون کسی که نماز را با جماعت نخواند، در بین مسلمانان برای او نمازی نیست؛ چون رسول‌الله(ص) فرمودند: نمازی نیست برای کسی که در مسجد با مسلمانان نماز نمی‌خواند، مگر اینکه از روی عذر و علتی باشد» [صدق، علل الشرائع، ج ۲، ۳۲۵]. با توجه به احادیث مزبور، فلسفه تشریح نماز جماعت را می‌توان در عنوانهای ذیل خلاصه و مرتب کرد.

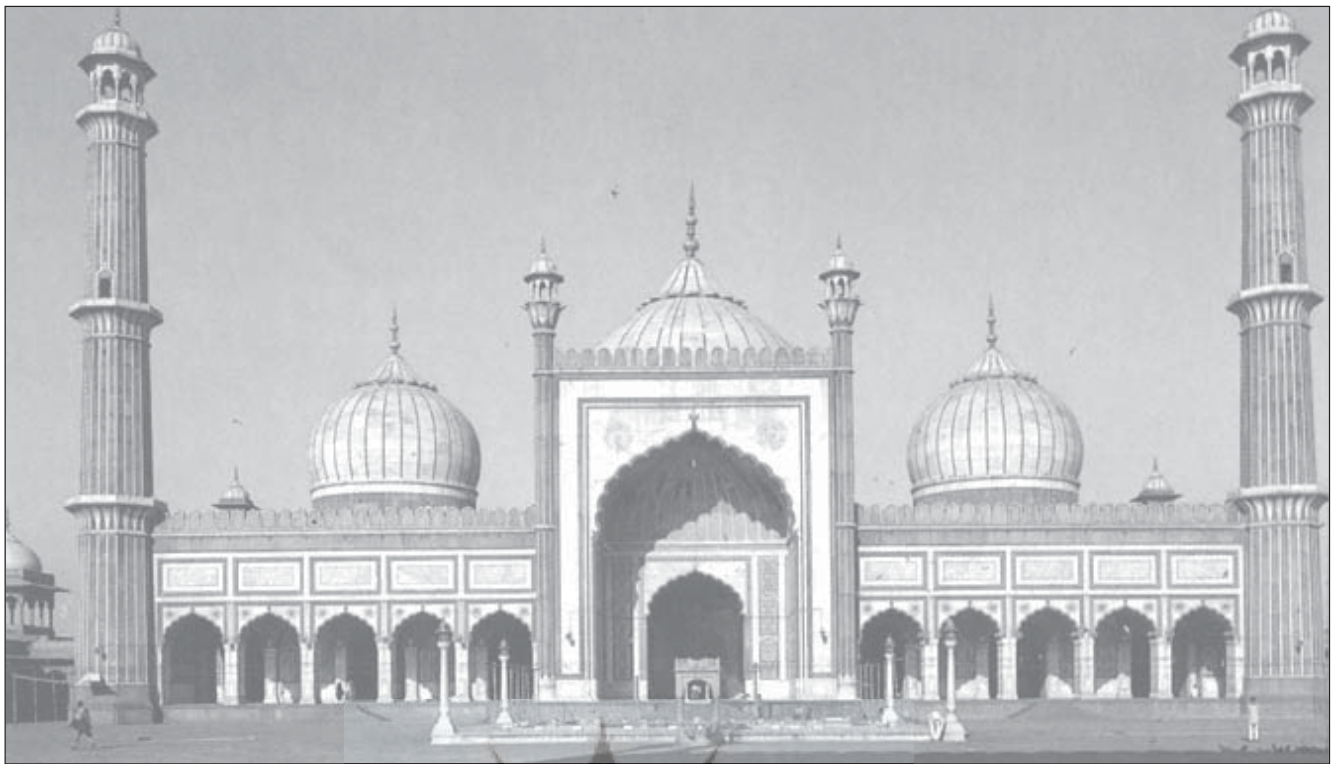
۱. علنی ساختن شعائر اسلامی
۲. اتمام حجت به پیروان مکاتب شرق و غرب
۳. شناسایی چهره‌های منافق
۴. سنجش میزان اعتقادی و عملی مدعیان اسلامیت
۵. شناسایی افراد عادل از غیر آن
۶. گسترش روحیه تعاون و مشارکت عمومی
۷. ترویج روحیه پرهیزکاری و نیکوکاری در اجتماع
۸. نظارت همگانی در رفتار و کردار عامه
۹. تقویت عنصر اجتناب از معاصی در انسان

آثار اجتماعی نماز جماعت

۱. آشکارشدن اسلام و بندگی به خدا و یکتاپرستی امام رضا(ع) در پاسخ به فضل بن شاذان که از حضرت درباره فلسفه تشریح نماز جماعت پرسید، چنین فرمودند: «لئلا يكون الاخلاص والتوحيد والاسلام والعبادة لله الاظهاراً مكشوفاً مشهوداً» (برای اینکه اخلاص، یکتاپرستی، اسلام و عبادت به خدا، ظاهر و علنی شود) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ۶].

۲. شناخته شدن نمازخوان و بی‌نماز در اجتماع مسلمانان حضرت امام جعفر صادق(ع) نیز در فلسفه نماز جماعت می‌فرمایند: «انما جعل الجماعة والاجتماع الى الصلاة لكي يعرف من يصلي ممن لا يصلي» (همانا تشریح نماز جماعت و اجتماع برای نماز، بدان خاطر است که نمازخوان و بی‌نماز از هم تمییز داده شود) [صدق، علل الشرائع، ۳۲۵].

۳. ارزیابی میزان پابندی افراد مسلمان به احکام اسلامی حضرت امام رضا(ع) در ادامه فرمایش خود به فضل بن شاذان، چنین فرمودند: «ولیکن المنافق والمستخف مؤدياً لما اقر به يظهر الاسلام والمراقبة...» (و تا منافق و مسلمانان سهل‌انگار و ضعیف‌الایمان که نماز و احکام شرع را سبک می‌شمارند، با برپایی نمازهای جماعت تکلیف و موضعشان



مسجد جامع دهلی، هند

نتیجه

گردهماییهای مذهبی - از نظر علم جامعه‌شناسی - در تقویت ایمان فردی و تجدید احساسات اخلاقی و اجتماعی تأثیر بسیاری دارد. به دلیل تأثیر عمیق آن در تعامل و تکامل اجتماعی، دین مقدس اسلام شالوده فرهنگ نماز جماعت را بنیان نهاده است، و بر تداوم حضور مسلمانان در نمازهای جماعت تأکید می‌کند [احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۸، ۲۷۹].

اسلام ضمن اینکه مسجدیان را مفتخر به مدال ایمان و عدالت می‌کند [احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۱، ۱۳۶]، و مرزبانی از حدود اسلام را در سایه تردد مسلمانان به مساجد معرفی می‌نماید [طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۲، ۴۷۴]، سهل‌انگاران از این فرضیه را نیز آماج شدیدترین حملات و تهدیدهای خود قرار می‌دهد؛ به طوری که پیامبر خدا (ص) آنگاه که با حضور نیافتن شماری در نمازهای جماعت روبه‌رو می‌شوند، می‌فرمایند: «نزدیک است نسبت به قومی که اقامه نمازشان را در مسجد ترک می‌کنند، امر کنم تا هیزم در خانه‌های آنها قرار دهند و خانه‌های آنان را بسوزانند» [حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ۴۷۸].

و زمانی که کور مادرزادی از پیامبر (ص) به علت این عجز و نقصان جسمی از حضور در نماز جماعت معافیت می‌طلبد، پیامبر خدا (ص) ضمن رد درخواست به ظاهر منطقی او می‌فرمایند: «رسمانی از خانه‌ات تا مسجد بکش، و به کمک آن در نماز جماعت حاضر شو» [حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ۳۷۷].

و مصداق دیگری بر تأکید آن، عملکرد حضرت امام حسین (ع) در آن بحبوحه خونین روز عاشورا است که نماز ظهر خود را با

وجود هجوم و تیرباران دشمن، به طریق «نماز خوف» به جماعت برگزار کردند [ابن طاووس، اللہوف علی قتلی الطفوف، ۱۶۵].

منابع:

۱. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، نشر دانشگاه تهران
۲. ابن طاووس، سید، اللہوف علی قتلی الطفوف، تهران، دارالاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ ه. ق
۳. ابن هشام، سیره ابن هشام
۴. احسان بخش، صادق، آثار الصادقین
۵. صدوق، محمد، علل الشرائع، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۶. طالقانی، سید محمود، تفسیر پرتوی از قرآن
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی، قم، دارالعلم
۸. طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم
۹. طبری، ابوجریمر محمد، تاریخ طبری
۱۰. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار
۱۲. محمدی ریشهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۳. میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی
۱۴. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر تبیان، ۱۳۷۷
۱۵. هندی، علی بن حسام‌الدین، کتزالعمال، بیروت، داراحیاء التراث العربی